

## ماهیت و شیوهٔ ارائهٔ پانوشت در ترجمه

میترا آقانی

ماهیت ترجمه به گونه‌ای است که در مواردی لازم است علاوه بر ترجمهٔ متن توضیحات دیگری برای انتقال درست پیام مؤلف داده شود. این توضیحات و اطلاعات طبعاً در بدنه اصلی ترجمه جایی ندارد و باید آنها را در جای دیگر مثلاً در حاشیه و پایین صفحه آورد. فراهم آوردن اطلاعات در پانویس قواعد و روشهایی دارد و معمولاً مطالب خاصی در این بخش می‌آید. مترجمانی هستند که در مواردی اطلاعات غیر ضروری در پانویس می‌آورند. از طرف دیگر مترجمانی نیز در آنجا که ضروری است بنا بر دلایلی از دادن توضیحات دریغ می‌ورزند. در این تحقیق ابتدا کتابهای مختلف داستانی و غیر داستانی بررسی شده و نمونه‌هایی از پانویسهای آنها استخراج شده است؛ در کنار این بررسی از منابع نظری مربوط مانند شیوه‌نامه‌ها و کتابهای آیین‌نگارش استفاده شده است. پس از گردآوری اطلاعات و نمونه‌ها، آنها را تحلیل کرده و به صورت زیر ارائه داده‌ایم. در نوشته حاضر پس از توضیح درباره پانویس و روش علمی استفاده از آن و انواع مختلف آن، ماهیت اطلاعاتی را که در پانویس عرضه می‌شود همراه با مثالهایی بیان کرده‌ایم.

### حیطه کار مقاله

در این مقاله خود را به پانوشتهایی که مترجم به دست می‌دهد محدود می‌کنیم. در کتابهای ترجمه شده معمولاً با دو نوع پانوشت برمی‌خوریم. اول پانوشتهای مؤلف و دوم پانوشتهای مترجم. گاهی ممکن است ویراستار کتاب نیز پانوشتی داده باشد. نوع اخیر ماهیتاً با پانوشتهای مترجم تفاوتی ندارد. آنچه در اینجا درباره پانوشتهای مترجم می‌گوییم در مورد پانوشتهای ویراستار نیز صادق است. توضیحات مؤلف در محدوده کار این مقاله نمی‌گنجد و ما به آنها نپرداخته‌ایم، گرچه ممکن است در مواردی ماهیتاً با پانوشتهای نوع اول یکی باشند. در مقابل واژه Footnote, note انگلیسی معادلهای مختلفی به کار می‌رود از جمله پانویس، پانوشت، حاشیه، یادداشت و زیرنویس. از این میان "حاشیه" واژه قدیمی است. واژه‌های دیگر در واقع ترجمه اصطلاح Footnote است.

### مکان پانوشتها

پانوشتها در جاهای مختلفی از کتاب قرار می‌گیرند: (۱) زیر هر صفحه (۲) در آخر هر فصل و (۳) در آخر کتاب. اما معمولاً پانوشتها بیشتر در زیر صفحه می‌آیند. در این روش خواننده بلافاصله و بدون ورق زدن کتاب از توضیحاتی که داده شده اطلاع پیدا می‌کند، اما این روش کار صفحه آرایی و صفحه بندی کتاب را تا حدودی مشکل می‌کند. در صورتی که حجم پانوشتها زیاد باشد بهتر است در پایان فصل یا پایان کتاب قرار گیرد. این کار با توجه صفحه آرایی و صفحه بندی کتاب نیز مناسب تر است.

## عدد تُک

برای مشخص کردن واژه، عبارت، اصطلاح، یا بخشی که درباره آن توضیح داده می‌شود معمولاً از شماره استفاده می‌شود که آن را بالای قسمت مربوطه می‌گذارند و به آن "عدد تُک" می‌گویند. استفاده از عدد راحتتر است و فضای کمتری می‌گیرد. عده‌ای از مترجمان و ناشران از نشانه‌هایی مثل "ستاره" استفاده می‌کنند. در صورتی که تعداد پانوشتهای یک صفحه بیش از سه مورد باشد این کار اشکال آفرین است. گاهی نیز همزمان از علائم مختلفی مانند "ستاره"، "مثلث" و "مربع" استفاده می‌شود که ظاهر خوشایندی ندارد. انتشارات آستان قدس رضوی در بعضی از کتابهایش از این روش استفاده کرده است. گاهی اوقات برای پانوشت هم از اعداد و هم از علائم استفاده می‌شود که هر کدام از آنها به موضوع خاصی مربوط می‌شوند. مثلاً برای معادل اصطلاحات از ستاره و برای بقیه موارد از اعداد استفاده می‌شود.

## شماره پیوسته یا گسته

در اکثر موارد شماره پانوشتها در هر صفحه با صفحه دیگر ارتباط ندارد و گسته است ولی در مواردی دیگر شماره پانوشتها در هر فصل پیوسته است. مثلاً از شماره یک تا شماره هیجده و در فصل دیگر از شماره یک تا شماره پانزده. بازیابی و کنترل اطلاعات پانوشتها با روش شماره پیوسته راحت تر است.

## شیوه جدا کردن پانوشت از متن

اگر پانوشت در پایین هر صفحه قرار گیرد به طرق مختلف از متن اصلی متمایز می‌گردد. معمولی‌ترین کار، کشیدن یک خط ممتد به درازای سطر یا به اصطلاح چاپی "اسپون" است. در مواردی خط ممتد تا اواسط پیش می‌رود. در روش سوم چند سطر فاصله اضافی بین متن اصلی و پانوشتها گذاشته می‌شود و بدین ترتیب این دو بخش از هم متمایز می‌شوند.

## نوع حروف پانوشتها

در اکثر موارد نوع حذف پانوشتها و متن متفاوت است، به عبارت دیگر حروف پانوشت ریزتر از حروف متن است. معمولاً حروف یکدست هستند اما اندازه یا "پونت" آنها تفاوت می‌کند، یعنی ریز و درشت می‌شوند. در مواردی نیز حروف متن و پانوشت اندازه یکسان دارند که چنین روشی توصیه نمی‌شود.

## متمایز کردن پانوشت مترجم از پانوشت مؤلف

پانوشتهای مترجم با علائم خاص مانند - "م"، "م"، "م" یا "مترجم" در پایان توضیحات و مطالب هر پانوشت مشخص می‌شود.

پانوشتهای مؤلف نیازی به متمایز کردن به روشهای فوق یا هر روش دیگری ندارد، چرا که نبودن هیچ نشانه‌ای بیانگر پانوشت مؤلف است. اگر ویراستار هم پانوشتی داده باشد با علامت "و." یا "ویراستار" متمایز می‌شود. در مقدمه مترجم یا در آغاز کتاب به نحوی تصریح می‌شود که پانوشتهای مترجم کدام است و چگونه از پانوشتهای مؤلف متمایز شده است. مثلاً محمد قاضی در ترجمه مسیح باز مطلوب (۱۳۵۲) پانوشتهای خود را با علامت "مترجم" و پانوشتهای مترجم فرانسوی را با علامت "مترجم فرانسوی" مشخص کرده است.

## حجم اطلاعات پانوشتها

هر اطلاعاتی در پانوشتها بنابر ماهیت‌اش حجمی خاص خود دارد. بعضی از اطلاعات نیازمند شرح و بسط بیشتری هستند. اطلاعاتی هم هستند که یک یا چند عبارت کوتاه برای آنها کافی است. اصل بر این است که اطلاعات مختصر و مفیدی درباره موضوعات مهم و ضروری داده شود. وظیفه مترجم در این موارد این است که تصویری کلی از موضوع به دست دهد. طول و تفسیر بیشتر و شرح عمیق این گونه مطالب به کتابها و منابع اختصاصی آنها مربوط می‌شود. در صورتی که مترجم احساس کند مبحثی نیازمند توضیح بیشتر و درک عمیق تر است می‌تواند خواننده را به منابع مورد نظر ارجاع دهد. در اکثر موارد مترجمان راه اعتدال را در پیش می‌گیرند و توضیحاتی نسبتاً کوتاه در پانوشتها می‌آورند. نمونه‌هایی از افراط و تفریط هم مشاهده می‌شود. معدودی از مترجمان توضیحات مفصل و غیر ضروری در مورد مطالب مهم یا غیر مهم می‌آورند. این علاوه بر اینکه ظاهر کتاب را چشم آزار می‌کند و حجم آن را بی‌جهت افزایش می‌دهد، غیر ضروری نیز هست. برای مثال می‌توان از ترجمه‌های دکتر میرجلال‌الدین کزازی (۱۳۶۷) و سعید شهرتاش در *کیهان فرهنگی* شماره‌های مختلف سالهای ۱۳۶۷-۶۹ نام برد.

## تکرار پانوشت واحد

وقتی که مترجم اطلاعاتی را در پانوشت صفحه‌ای ذکر کرد دیگر نیازی به تکرار آن در جاهای دیگر نیست. در صورتی که مترجم احساس کند آن مطلب نیازمند تذکر دوباره است بهتر است خواننده را به صفحه‌ای که مطلب مورد نظر برای اولین بار در آنجا آمده ارجاع دهد. مثالی از تکرار بی مورد پانوشت:

۱- پونس پیلای یا پیلایس که بنا به روایت انجیلها، عیسی را به نزد او می‌برند و می‌گویند که این شخص مدعی است که پادشاه یهودیان است و مردم را می‌شوراند ولی پیلایس او را مجرم نمی‌داند و می‌خواهد آزادش کند اما مردم درباره کشتن او اصرار می‌کنند. ناچار پیلایس مسؤولیت این گناه را از گردن خود برمی‌دارد و عیسی را به نزد قیافا یا کائیف Caiphe رئیس کهنه یهود می‌فرستد و او عیسی را به مرگ محکوم می‌کند.

۲- پیلایوس یا Pilate حاکم رومی فلسطین در زمان عیسی که چون خود به بیگناهی عیسی معتقد بود آب خواست دستهای خود را شست و گفت:

«من در این ماجرا دستهای خود را می‌شویم» یعنی از خود سلب مسؤولیت می‌کنم، خود دانید! هرچه می‌خواهید با عیسی بکنید و او را به دست جلدان سپرد.

(محمد قاضی ۲۵۲ و ۲۹: ۱۳۵۲)

## ارجاع کتابشناختی مطالب پانوشتها

اگر مترجم مطلب خاصی در پانوشت آورده باشد و آن را از منبعی نقل کرده باشد در پایان توضیحات پانوشت مشخصات کتابشناختی آن را به دست می‌دهد.

برای مثال:

۱- تاریخ عالم آرای عباسی، چاپ تهران- اصفهان. جلد ۲ صفحه ۱۱۰۵

(قمر آریان ۵۵۲: ۱۳۵۰)

## موارد ضروری و غیر ضروری

گاه مترجم اطلاعاتی را در پاورقی می آورد که آوردن یا نیاوردن آن تفاوتی نمی کند، یعنی این اطلاعات برای خواننده ضروری نیست. مثلاً در کتاب روان شناسی کودک، مترجم کلمه Tatonnement را "آزمایش و خطای هدایت شده" ترجمه کرده است، همچنین در پاورقی گفته که Tatonnement، معادل "کورمال کورمال جستن" در زبان فارسی است یا کلمه Association را "مکانیزمهای همخوانی" ترجمه کرده و در پاورقی در مقابل کلمه Association "تداعی معانی" نیز نوشته است. دادن این اطلاعات اضافی ممکن است باعث پریشانی و معشوش شدن ذهن خواننده شود.

مثالی دیگر در مورد پانویس های غیر ضروری:

۱- در متن اصلی چنین آمده است: «هر که بخواهد به شکار برود، جای خود را از دست می دهد.»

۲- در متن اصلی چنین است: «به آب راکد تکیه مکن»

(محمد قاضی ۲۷۸ و ۲۳۶: ۱۳۵۲)

## دست کم گرفتن خواننده و بیسواد دانستن او

گاه مترجم درباره موضوعی بسیار ساده توضیح می دهد. چنین توضیحی در واقع دست کم گرفتن خواننده و بی سواد دانستن اوست. برای مثال:

دفترچه قطور پاک نویس اولین اشعارم را همراه با قلمتراش و تیرکمان (دوشاخه درختی مجهز به لاستیک برای پرتاب سنگ) در جعبه کوچکی نگهداری کنم.

(اسکندر ذیحیان ۲۴: ۱۳۵۱)

نیازی به دادن توضیح درباره تیرکمان نیست. مثالی دیگر می زنیم از توضیح و پانویستی که آوردن آن در ترجمه برای فارسی زبانان زاید و غیر ضروری است:

\* حدیث- اخبار از زندگی و اقوالی از پیغمبر که در قرآن نیامده است. (پورهرمزان، ۱۷۵)  
بگذریم از این که این توضیح خود کافی و جامع نیست. از طرف دیگر گاه مترجمی آوردن هرگونه توضیحی را نالازم می شمارد، البته این موضوع به کتاب و مخاطب آن بستگی دارد. طبعاً دادن پانویست برای افراد متخصص ضرورت کمتر دارد، ولی این بدان معنی نیست که چنین افرادی از توضیحاتی که در پانویستها داده می شود بی نیازند. علی محمد حق شناس در ترجمه کتاب رمان به روایت رمان نویسان هیچ گونه پانویستی نداده و چنین استدلال کرده است:

مترجم فارسی تا می توانسته پرهیخته است از این که برای هرکس و چیز مهم یا بی اهمیت پانویستی از فرهنگها و دائرةالمعارفها و مانند اینها پیدا کند و در پانویست به نمایش بگذارد. چه او این را نشانه کوچکداشت مقام و دانش خواننده می داند.

(دکتر علی محمد حق شناس ۳: ۱۳۶۸)

## ماهیت پانویستها

پانویستها اصولاً ماهیت توضیحی و اطلاع رسانی دارند. به عبارت دیگر، مطالبی در آنها برای خواننده توضیح داده می شود یا اطلاعاتی لازم به او عرضه می گردد. این نکته در بخشهای زیر بروشنی توضیح داده خواهد شد.

## موارد پانوشتها

اطلاعات و توضیحات مختلفی در پانوشتها می‌آیند. ماهیت کتاب و مخاطب آن، زبان مبدأ و اختلافات فرهنگ بین زبان مبدأ و مقصد و ... نوع و حجم اطلاعات پانوشتها را تعیین می‌کند. هر رشته و موضوعی پانوشتهای خاصی لازم دارد. در زیر مواردی از کاربرد پانوشتها را در کتابهای مختلف همراه با مثالهایی برای هر کدام از آنها طبقه بندی کرده‌ایم.

## معادلهای خارجی بی توضیح

Seven Wonders - ۱ (قمر آریان ۵۵: ۱۳۵)

۱ - Sensualism

۳ - Empirisme

(زینت توفیق ۴۸ و ۴۶: ۱۳۶۷)

## معادلهای خارجی اصطلاحات با توضیح

۱- در فرانسه Indices و در انگلیسی Index، جمع انگلیسی و فرانسه و لاتین: Indices و در انگلیسی جمع Indexes نیز هست که برای Index به مفهوم "فهرست راهنما" به کار می‌رود و واژه فرانسه مفهوم اخیر نیز Index است.

۲- در فارسی در برابر "اندیس"، اصطلاحهای "شاخص" و "نمایه" رانیز به کار برده‌اند.

(میر شمس الدین ادیب سلطانی ۳۲۳: ۱۳۵۶)

## شرح اصطلاحات تخصصی

۳- (Narcissisme): نرگس یا نارسیس شخصی است افسانه‌ای که وقتی تصویر خود را در آب زلال می‌بیند، شیفته خود می‌شود و تبدیل به گلی می‌گردد که همین نام را بر آن گذاشته‌اند. این اصطلاح را برای اولین بار فروید در روان‌شناسی به کار برد و منظور از آن حالت خاصی است که فرد شیفته خود می‌گردد.

(زینت توفیق ۲۴: ۱۳۶۷)

۱- (Identification): فرایندی است روانی که طی آن فرد، صفت یا خصوصیت شخص دیگر را می‌گیرد، الگویی از آن می‌سازد و طبق آن الگو تغییرات اساسی یا جزئی در او رخ می‌دهد. (فرایند همانندسازی در دوران خردسالی ناآگاهانه انجام می‌گیرد).

(زینت توفیق ۲۷: ۱۳۶۷)

## املائی اسامی خاص بدون توضیح و شرح

Ikhnaton - ۱

Akhetaton - ۲

Tatankhamon - ۳

(قمر آریان ۶۳: ۱۳۵۰)

## املائی اسامی خاص با توضیح و شرح

Golgotha ته‌ای بود که می‌گویند عیسی را بر بالای آن به صلیب کشیده‌اند.

(محمد قاضی ۴۰: ۱۳۵۲)

توضیح دربارهٔ اعلام (شخصیتها، مکانها، اقوام، کتابها و ...)

۱- قسطنطین پالئولوگ آخرین امپراتور بیزانس (روم شرقی) که در سال ۱۴۵۳ در حین دفاع از قسطنطنیه بر دیوار باروهای آن شهر کشته شد.

(محمد قاضی ۱۳۷: ۱۳۵۲)

۳۴- Lucrece سخنور لاتین که به سال ۹۸ پیش از زادن مسیح در رم زاده شد. دیوان فلسفی او که "از طبیعت" نام دارد، از پرآوازه ترین کتابها در این زمینه است. لوکرس، پس از آنکه پیرو پرشور و گسترنده ماده‌گرایی اپیکور گردید و این جهان بینی را به گرمی و پرتوان و گاه به شکوه شناسانید و در گسترده، به سال ۵۳ خود را کشت.

۳۹- Sicheam نام شهری باستانی در فلسطین که اینک "نابلوس" خوانده می‌شود.

(دکتر میرجلال الدین کزازی ۱۸۲ و ۱۷۹: ۱۳۶۷)

۱۶- Troy شهری باستانی در شمال شرقی آسیای صغیر که بواسطه جنگ تروا بین یونانیان و مردم تروا و شرح آن در ایلیاد هومر، مشهور شده است.

(محمد صدقیانی و دکتر غلامحسین یوسفی ۲۲: ۱۳۷۰)

## حوادث تاریخی

۱- Maraton نام قصبه‌ای در یونان و صحنه جنگی در سال ۴۹۰ ق.م بین آتنیها به فرماندهی میلتیادس Miltiadees و ایرانیان به سرکردگی "داريوش" که ایرانیان شکست خوردند. سردار آتنی سرانجام در زندان جان سپرد.

۲- صحنه جنگی که در سال ۴۸ ق.م بین نیروی سزار و پمپه در گرفت و در آن پمپه مغلوب شد.

(محمد صدقیانی و دکتر غلامحسین یوسفی ۱۱۵: ۱۳۷۰)

## رفع ابهام احتمالی

۶- Alphonus of Argon ظاهراً اشاره است به آلفونس پنجم ملقب به عظیم و کبیر، پادشاه آراگون و صقلیه (سیسیل).

(محمد صدقیانی و دکتر غلامحسین یوسفی ۱۱۶: ۱۳۷۰)

۴- منظور مؤلف آن آیه شریفه است در سورهٔ علق:

خلق الانسان من علق، اما این مضمون چه ارتباطی با طرز تصور آفرینش آنان در نزد سومریها دارد روشن نیست. توجه: ذکر لفظ علق = خون بسته در قرآن، سبب خلط مطلب در ذهن مؤلف شده است.

(قمر آریان ۸۱: ۱۳۵۰)

## روشن تر کردن متن

۵- اشاره است به تاجی از برگ غار که در یونان و روم قدیم بعنوان نشانهٔ افتخار بر سر فاتحان و قهرمانان

می‌نهاده‌اند.

۲- اشاره است به مقرراتی که بموجب آن کسانی حق نامزد شدن در انتخابات مجلس انگلستان را داشتند که در سال لاقلا ده پوند عایدی مستغلاتی به دست می‌آورده‌اند.

(محمد صدقیانی و دکتر غلام حسین یوسفی ۵۵۴، ۴۶۷: ۱۳۷۰)

Ku Klux Klan منظور اعضای گروه نژاد پرست ضد سیاه پوستان کوکلوکس کلان Ku Klux Klan- است.

(احمد شاملو: بی تا)

### توضیح اضافی

۱- در ۱۸۹۷ دولت یونان تحت فشار افکار عمومی برای پس گرفتن ایالاتی که هنوز در تصرف امپراطوری عثمانی بود با آن دولت به جنگ برخاست ولی چون تدارک لازم دیده نشده بود، جنگ به شکست یونانیان انجامید.

(محمد قاضی ۴۱۰: ۱۳۵۲)

۴- کولر شامپانزه‌ای را در قفس قرار می‌دهد و موزی را در خارج قفس دور از دسترس می‌گذارد و چوبدستی را در فاصله‌ای می‌نهد که دست شامپانزه به آن برسد و در صورت لزوم از آن استفاده کند. میمون پس از مدتی تلاش برای برداشتن موز، متوجه می‌شود که با استفاده از چوبدستی می‌تواند موز (هدف) را به طرف خود بکشد.

۴- در ماههای اول تولد، رفتارهایی در کودک ظاهر می‌شود که در نتیجه آن عملی تکرار می‌شود (مانند بازتاب مکیدن). ابتدا این عمل را بدون هیچ‌گونه تغییری تکرار می‌کند. اما پس از مدتی کودک تغییراتی در آن رفتار می‌دهد و آن را با شیئی خارج همساز و منطبق می‌کند. این جاست که نظم‌یابی به‌وجود می‌آید. (زینت توفیق ۲۱، ۱۳: ۱۳۶۷)

نشانی و / یا ترجمه آیات و احادیث بانسانی آنها

۱- آیه اول از سوره مبارکه اسری (س ۱۷)

(قمر آریان ۳۷۰: ۱۳۵۰)

### ذکر اشتباهات مؤلف

ظاهراً عدم انسجام منظور است و کلمه "عدم" سهواً از قلم افتاده است و یا کلمه CO- ORDINATION به معنی نظامهای متغایر و هم زمان به کار رفته است.

(محمد صدقیانی و دکتر غلام حسین یوسفی ۳۲۰: ۱۳۷۰)

۲- یوسف و زلیخای منسوب به فردوسی از او نیست، از شاعر دیگری است به نام شمس. رجوع شود به فردوسی و شعرا، ص ۹۵ از مجتبی مینوی.

۳- اینجا در متن نام سلطان و وزیر اشتباه شده بود و مترجم اصلاح کرد.

(قمر آریان ۴۸۶، ۴۲۷: ۱۳۵۰)

۲- بهزاد را مؤلف با رضای عباسی اشتباه گرفته است.

(قمر آریان ۵۴۷: ۱۳۵۰)

## مقیاسها و اوزان

۱- یک ورخوک ۴ سانتیمتر و ۴۴ میلیمتر است.

(علی اصغر خبره زاده، ۱۴: بی تا)

## توضیحات فرعی مترجم

۱- در اینجا عبارتی از متن در ترجمه حذف شده.

۱- متن ترکی این منظومه به کمک آقای دکتر ابوالقاسم اجتهادی دانشیار دانشکده الهیات به دست آمده و مایه تشکر مترجم شد.

(قمر آریان ۵۰۱، ۷۴۷: ۱۳۵۰)

## توضیح درباره اختلافات فرهنگی

۱۴- EUCHARISTIE که می توان در پارسی آن را "آئین نان و نبید" خوانند از بنیادی ترین و راز آمیز ترین آئین ها در فرهنگ ترسائی است. ترسایان "کهنه گرا" بر آنند که این آئین نمادین به راستی و در گوهر خویش در دو نماد "نان" و "نبید" تن خون جان و خدائی عیسی را نهفته می دارد نشانه های بسیار گویای آن است که این آئین مانند شماری دیگر از آئین ها و بنیاد های فرهنگ ترسائی از فرهنگ ایران و کیش مهری گرفته شده است.

(دکتر میر جلال الدین کزازی ۳۹: ۱۳۶۷)

## ارجاع خواننده به موضوعات مربوط

۲- مراجعه شود به صفحات بعد

۱- رجوع شود به همین کتاب صفحات قبل.

(قمر آریان ۴۶، ۴۳: ۱۳۵۰)

## مقایسه با پدیده های موجود در زبان مقصد و مبدأ

۱- کوبک به معنای فرع است و این کلمه را نمی توان ترجمه کرد.

(علی اصغر خبره زاده)

۱- در رقص مردم عبری همانند رقص باباکرم

## اظهار نظر شخصی مترجم

۵- یاد آور این سخن مشهور در ادب عربی و فارسی است که:

یحوز للشاعر مالا یجوز لغیره

۱- یاد آور این نکته است که خوبی و زیبایی یکی است و افلاطون نیز در رساله های خود از زبان سقراط آن را مطرح می کند.

(محمد صدقیانی و دکتر غلامحسین یوسفی ۱۸۸، ۱۸۷: ۱۳۷۰)

آوردن معنی کلمات ثقیل یا مبهم

سپند مقدس



بهادر	شوالیه	
گیلو	گیلویی	گج بریها و نگاره‌های میانه دیوار و سقف
بنبانو	الهه	
پیکره آسمانی	صورت فلکی	
ورشان	قمری	

(دکتر میرجلال‌الدین کزازی ۱۸۲، ۱۶۷، ۱۴۷، ۱۰۸، ۳۸: ۱۳۶۷)

#### انجام سخن

در این مقاله پانویشت را معرفی کردیم و ضمن شرح ماهیت و انواع و موارد ضروری و غیر ضروری آن، به برشمردن موارد مختلف پانویشت پرداختیم. بدیهی است مطالب و موضوعات مربوط به پانویشت به همین مختصر محدود نمی‌شود. در این مختصر سعی شد تنها به برخی از موارد بسیار مهم تا آن جا که در توان محدود ما بود اشاره شود.

#### یادداشت

برای برخی از مثالها مدیون همکلاسی عزیزم خانم سودابه احمدی هستم که در اینجا از لطف ایشان تشکر می‌کنم.

#### کتابنامه

با توجه به اینکه در این مقاله موضوع اصلی مترجمان و روش و ماهیت پانویشت آنهاست کتابنامه را بر اساس نام مترجم مرتب کردیم.

آریان، قمر، ۱۳۵۰، شرق نزدیک در تاریخ، فیلیپ حتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ادیب سلطانی، میر شمس الدین، ۱۳۶۵، راهنمای آماده ساختن کتاب، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

پورهرمزان، ۱۳۶۸، چنگیزخان، (جلد اول)، واسیلی یان، تهران: گوتنبرگ و جاودان خرد.

توفیق، زینت، ۱۳۶۷، روان شناسی کودک، ژان پیازه و باربل اینهلدر، تهران: نشرنی.

حق شناس، علی محمد، ۱۳۶۸، رمان به روایت رمان نویسان، میریام آلوت، تهران: نشر مرکز.

خبره زاده، علی اصغر، بی‌تا، تسخیر شدگان، تهران: انتشارات آسیا، چاپ سوم.

ذبیحیان، اسکندر، ۱۳۵۱: افسانه شیر و برچسب، سرگنی میخائیلکوف. تهران: گوتنبرگ.

شهرتاش، سعید، ۱۳۶۷-۶۹ کیهان فرهنگی، شماره‌های مختلف.

شاملو، احمد، بی‌تا، سیاه همچون اعماق آفریقای خودم، لنگستون هیوز، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.

قاضی، محمد، ۱۳۵۲، مسیح باز مصلوب، نیکوس کازانتزاکیس، تهران: امیرکبیر.

کزازی، میرجلال‌الدین، ۱۳۶۷، سه داستان، گوستاو فلور، تهران: نشر مرکز.